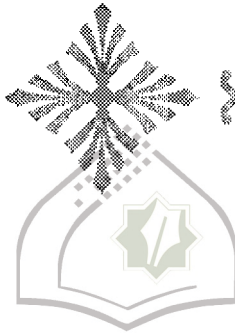


## سیر نگار شهابی علوم قرآنی (۸)

محمد علی مهدوی راد



قرن دهم:

نکاشته های علوم قرآنی این قرن را با گزارش آثار مفسر، محدث و قرآن پژوه بزرگ این قرن، جلال الدین عبدالرحمن بن کمال... بن الشیخ همام الدین الهمام الخضیری السیوطی (م ۹۱۱)، مشهور به جلال الدین سیوطی آغاز می کنیم. سیوطی گو اینکه در میدان قرآن پژوهی بیشتر با تفسیر مهمش «الدر المنثور» و کتاب علوم قرآنی ارجمندش «الأتقان فی علوم القرآن» مشهور است، اما وی آثار بسیار دیگری نیز در این فن دارد که همه سودمند هستند و کارآمد.

آثار علوم قرآنی سیوطی را به اختصار می شناسانیم:

### ۱. التحبیر فی علم التفسیر:

سیوطی، در مقدمه این کتاب اشاره می کند که جایگاه «علم تفسیر» در تفسیر و فهم قرآن همانند «مصطلح الحدیث» در حدیث و فهم آن است که پیشینیان به شایستگی بدان نپرداخته اند و ابعاد آن را نکاویده اند. آنگاه می گوید: شیخ الأسلام، جلال الدین بلقینی (م ۸۲۴) در این باره کتابی پرداخته است، با عنوان «مواقع العلوم فی مواقع النجوم». وی

کتاب را پیراسته و آراسته و انواع آن را به پنجاه و اندی فراز آورده است، که بر وی در این دانش کسی پیشی نگرفته است، با نگرستن آن، چنان روا دیدم که انواعی بر آن بیافزایم که کسی بدان نپرداخته و بر انواع وی نیز افزونی‌هایی روادارم که در آنها به کمال سخن نگفته است.

بدین سان سیوطی انواع آنرا بر صد افزون می‌کند و کتابی با عنوان «التحבیر فی علم التفسیر» می‌پردازد<sup>۱</sup>.

آنچه سیوطی در «التحبیر» گزارش کرده است، به واقع عناوینی از علوم قرآن است که به گونه ای دیگر در «الأتقان» و «معتزک الأقران» نیز آمده است که بدانها اشاره خواهیم کرد. «التحبیر»، با بحث در شناخت سور و آیات مکی و مدنی و چگونگی آن و فواید مترتب بر آن آغاز می‌شود و با نوع صد و دوم با عنوان «تاریخ» که سیوطی آن را از افزونی‌های خود بر نگاشته‌های بلقینی دانسته و از و فیات مفسران سخن گفته است، پایان می‌یابد.

انواعی را که سیوطی بر کتاب بلقینی افزوده، یاد کرده و در آنچه در آن افزونی و یا کاستی رواداشته نیز تصریح کرده است.

التحبیر بارهای بار چاپ شده است، از جمله با تحقیق و تعلیق فتحی عبدالقادر فرید که به سال ۱۴۰۶ در قاهره نشر یافته است<sup>۲</sup>.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## ۲. الأتقان فی علوم القرآن:

اتقان، به راستی خوش‌نظم‌ترین، خواندنی‌ترین و مشهورترین کتاب علوم قرآنی است. سیوطی در چگونگی نگارش آن آورده است که: من در شگفت بودم که چرا پیشینیان کتابی در انواع علوم قرآن نپرداخته‌اند، از استادم علامه زمان، ابوعبدالله محیی‌الدین کافیجی شنیدم که وی چنین کرده است، او می‌گفت من در علوم تفسیر کتابی نگاشته‌ام که کسی بر من در چنان نگارشی پیشی نگرفته است، آن را استنساخ کردم، دیدم کتابی است خرد در دو باب که نه تشنه‌ای را سیراب می‌کند و نه جست‌وجوگری را به مقصد می‌رساند<sup>۳</sup>. پس از آن کتاب بلقینی را دیدم با عنوان «مواقع العلوم...» که تألیفی لطیف است و مجموعه‌ای ظریف. براساس آن «التحبیر» را نگاشتم (که پیشتر از آن سخن گفتیم)، پس از آن در اندیشه شدم که کتابی بپردازم گسترده و در نگارش آن شیوه استقصاء را پیشه گیرم، و چنین می‌پنداشتم که من در این اندیشه و آهنگ یگانه هستم و

کسی بر من سبقت نجسته است. در حالی که در این اندیشه بودم، دریافتم که امام بدرالدین محمدبن عبداللّه زرکشی، در این باره کتابی نگاشته است جامع، با عنوان «البرهان فی علوم القرآن». شادمان شدم و خدای را سپاس گفتم و بر آنچه اندیشیده بودم همت ورزیدم و بدین سان این کتاب را پرداختم، با ترتیبی بهتر از ترتیب «برهان». برخی از انواع کتاب زرکشی را درهم آمیختم و از برخی به تفصیل سخن گفتم و مطالب و مباحثی بدان افزودم و آن را «الأتقان فی علوم القرآن» نامیدم و....

اتقان، دارای هشتاد نوع است که با «شناخت مکی و مدنی» آغاز می شود و با عنوان «طبقات المفسرین» پایان می یابد. سیوطی، در تدوین این کتاب از صد و پنجاه و چهار منبع که برخی از آنها مجلدات بسیاری دارند بهره گرفته است. برخی از این آثار اکنون در اختیار نیست. بدین ترتیب سیوطی بخش هایی از متون از دست رفته را در صفحات الأتقان نگاه داشته است. هنر شگفت سیوطی در نظام بخشی به اطلاعات پراکنده و تنظیم و چینش کارآمد و عرضه مطالب، به گونه ای روشن، روان و سهل الوصول است. او به نقد و تحلیل اقوال می پردازد اما در گزارش آرا و اندیشه ها دقت شایسته ای بکار نمی گیرد.

«الأتقان»، از همان روزگار نگارش مورد توجه قرار گرفت، اگر گفته آید که در تدوین و نگارش های علوم قرآنی پس از سده دهم، الأتقان بیشترین تأثیر را داشته است، بی گمان سخنی به گزاف نیست.<sup>۲</sup>

الأتقان، نخست بار به سال ۱۲۷۱ در هند به چاپ رسید و پس از آن به سال ۱۲۷۹ در مصر نشر یافت<sup>۳</sup>، بهترین چاپ الأتقان، چاپ چهارجلدی آن است، به تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم<sup>۴</sup>، اخیراً نیز، در مکه در چهار مجلد با تحقیق متن و استخراج منابع احادیث نشر یافته است<sup>۵</sup>. با این همه «الأتقان»، نیازمند چاپی است منقح و دقیق و با ارجاع همه احادیث و اقوال منقول در آن، به منابع و مصادر.

برخی از عالمان، «الأتقان» را تلخیص کرده اند، از جمله، صلاح الدین أرقه دان، با عنوان «مختصر الأتقان فی علوم القرآن». وی مطالب مهم و اساسی الأتقان را آورده و اعلام متن را به اختصار توضیح داده است<sup>۶</sup>. این خلاصه ترجمه شده است، اما نه چندان دقیق و مطلوب، با عنوان، ترجمه خلاصه الأتقان...<sup>۷</sup>

دیگر، گزینش و چینشی است نو، با عنوان «تهذیب و ترتیب الأتقان فی علوم القرآن» به خامه محمدبن عمر بن سالم بازمول<sup>۸</sup>. در این گزینش و چینش عناوین تمام هشتاد نوع

اتقان حفظ شده است و انواع جابه جا شده است، به مَثَل سیوطی کتاب را با «شناخت مکی و مدنی» آغاز می کند، اما آقای بازمول این نوع را، سیزدهمین قرار داده و کتاب را با «شناخت نام های قرآن و نام های سوره های قرآن» که در نظم اصلی کتاب هفدهمین است، آغاز کرده است.

او در این گزینش از مثال های متعدّد سیوطی برای بحث، یک و حداکثر سه نمونه را برگزیده و بقیه را حذف کرده است. سیوطی در بحث های مختلف، ذیل عنوان «فایده» بحث هایی را گزارش کرده است که فی الجمله پیوندی با بحث دارد و نه پیوندی استوار، این موارد را آقای بازمول غالباً حذف کرده است. در تحقیق کتاب نشانی آیات و روایات را یاد کرده و اقوال را نیز در حدّ توان به منابع و مصادر ارجاع داده است. در پانوشتها گاه واژه ها را توضیح داده و گاه در نقد کلام سیوطی سخن گفته و گاه توضیحاتی را درباره مطالب متن افزوده است.

ترتیب آقای بازمول، ترتیبی شایسته و کارآمد است، گو اینکه توضیحات و نقدهای وی بر مواضع سیوطی گاه از حنبلی گری و بلکه وهابی گری او نشأت گرفته و بوی فرقه گرایی دارد.

الأتقان، گویا دوبار ترجمه شده است (۱) با عنوان «دائرة المعارف قرآن»، به خامه آقایان دکتر محمدجعفر اسلامی و علی وجدانی<sup>۱۱</sup> (۲) سیدمهدی حائری قزوینی، ترجمه اوّل نه نثری روان دارد و نه از استواری شایسته ای برخوردار است<sup>۱۲</sup>. ترجمه دوّم نیز به رغم آنکه برخی از فاضلان آن را «یکدست و شیوا و شایسته» دانسته اند، دستکم یکدست و شایسته نیست.

### ۳. معترك الأقرآن فی اعجاز القرآن:

این کتاب، از جمله کتاب های بزرگ علوم قرآنی سیوطی است. این کتاب با عنوان «معترك الأقرآن فی مشترک القرآن» نیز یاد شده است. ظاهراً سیوطی در آغاز، کتابی نگاشته است با عنوان «معترك الأقرآن فی مشترک القرآن» آنگاه مباحث بسیاری از «اتقان» و منابع دیگر در وجوه اعجاز بدان افزوده و کتاب را «معترك الأقرآن فی اعجاز القرآن» عنوان داده است<sup>۱۳</sup>.

سیوطی، در این کتاب ابتدا از مانند ناپذیری قرآن سخن گفته؛ و آنگاه از همورد جویی

قرآن در آوردگاه کلام و بیان و خستویی بلیغان و سخنوران نام آور آن روزگار، به مانند ناپذیری قرآن در کلام و بیان بحث کرده و سپس برخی از گونه های اعجاز قرآن را برشمرده و آنگاه مباحث متعلق به این موضوع را در سی و پنج وجه گزارش کرده است.

گسترده‌گی مواد، سنجش دیدگاهها و نقد اقوال، نمونه‌ها، مثالها و شواهد، برای استوارسازی مطلب، نوآوری در عرضه وجوه اعجاز، گسترده‌گی منابع و مصادر، چینش شایسته مطالب، نگارش استوار، عرضه علمی و سهل الوصول مطالب و دوری سیوطی از جمود و یکسویه نگری از ویژه گی های ارجمند «معتزک الأقران» است. اما آمیختگی مطالب برخی از عناوین در یکدیگر، گاهی عدم استناد دقیق دیدگاهها، به صاحبان آنها، نقل از کتابها بدون اشاره صریح به نام آنها، ورود برخی از احادیث موضوع و مجعول در کتاب را، از جمله کاستی های آن توان شمرد. افزون بر اینها گشاده دستی آقای سیوطی در گزارش وجوه اعجاز نیز در این کتاب شگفت انگیز است<sup>۱۴</sup>، او بسیاری از عناوین علوم قرآنی را بدون هیچ افزونی و کاستی و گاه با اندکی دیگرسانی از «الأتقان» گرفته است.

آقای محمد بن حسن بن عقیل موسی، در کتابی سودمند با عنوان «اعجاز القرآن الکریم بین الامام السیوطی والعلماء»، «معتزک الأقران» را به بحث نهاده و از ابعاد مختلف درباره آن بحث کرده است، او اعجاز را در دیدگاه پیشینیان گزارش کرده است و دیدگاه های مختلف درباره اعجاز را باز گفته است. آنگاه به تفصیل از شیوه سیوطی در تدوین کتاب و عرضه مطالب بحث کرده و سپس مصادر و منابع کتاب را نشان داده است.

نویسنده، «معتزک الأقران» را با دقت با آثار دیگر سیوطی سنجیده و چگونگی بهره گیری سیوطی در این کتاب از دیگر آثارش را نشان داده است. براساس محتوای این کتاب دیدگاه های اعتقادی، تفسیری، لغوی و برخی از آراء او را در علوم قرآن نشان داده است، آنگاه آراء سیوطی را در اعجاز با دیگر عالمان سنجیده است، از جمله با قاضی عبدالجبار، خطابی، زملکانی و باقلانی، از پیشینیان و آلوسی، زرقانی، رافعی، عبدالله دراز از متأخران<sup>۱۵</sup>، یکی دیگر از فاضلان نیز وجوه بلاغی قرآن کریم را بر پایه و سنجش «الأتقان» و «معتزک الأقران» تدوین و عرضه کرده اند<sup>۱۶</sup>

## ۴. لباب النقول فی اسباب النزول:

سیوطی، در این کتاب احادیث و آثاری را که نشانگر شأن نزول آیات است، گزارش کرده است، او درباره این کتابش می گوید:

در این باره [اسباب النزول] کتابی پرداختم جامع و پیراسته که در این فن همانندش نگاشته نشده بود.<sup>۱۷</sup>

البته این سخن ادعای گزافی است و به راستی کار سیوطی پس از ۵ قرن که از نگارش اسباب النزول واحدی گذشته، در سنجش با آن بسی ضعیف تر است.

«لباب النقول»، بارهای بار و در ضمن چاپ های مختلف تفسیر «جلالین» به گونه پانوشت یا حاشیه آن چاپ شده است؛ و نیز با تحقیق و تصحیح و تعلیق، از جمله چاپی منقح با تحقیق آقای بدیع السید الأحام و با عنوان «اسباب النزول» که تحقیقی است شایسته و با پانوشت ها و ارجاع های سودمند و کارآمد.<sup>۱۸</sup>

## ۵. مفحمات الأقران فی مبهمات القرآن:

از چگونگی عنوان «مبهمات القرآن» در این سلسله مقالات سخن گفته ایم و در ضمن آثار سده های پیشین آثاری را معرفی کرده ایم. کتاب سیوطی اثری است سودمند و آکنده از اطلاعات که وی در نهایت اختصار آنها را گزارش کرده است. مفحمات را آقای ایاد خالد الطباع تحقیق کرده است. وی در پانوشت ها مصادر و مراجع اقوال و احادیث را نشان داده و گاه در توضیح مطالب متن، نکاتی را آورده است و در ضمن مقدمه ای دراز دامن از سیوطی، آثار وی، کتاب های نگاشته شده در این زمینه و اهمیت این کتاب سخن گفته است.<sup>۱۹</sup>

## ۶. المهدب فیما وقع فی القرآن من المعرب:

سیوطی در این کتاب واژه های دخیل در قرآن کریم را گزارش کرده است، این موضوع از بحث های بسیار کهن علوم قرآنی است. و قرآن پژوهان در آثار علوم قرآنی غالباً درباره آن سخن گفته اند. سیوطی نیز در ضمن فصلی از «الأتقان» بدان پرداخته است.<sup>۲۰</sup> که به واقع گزینشی است از این کتاب. سیوطی در این کتاب واژه های غیر عربی را براساس حروف الفبا و با توجه به هیأت کلمات آورده و در ذیل آنها با تکیه به آثار منقول از

پیشینیان نشان داده است که واژه، ریشه در چه زبانی دارد. المهدب را سمیر حسین حلبی، تحقیق کرده است، تحقیقی دقیق و با ارجاع تمام مطالب متن به منابع و مصادر، با مقدمه ای درباره مؤلف و موضوع کتاب.

### ۷. المتوکلی:

عبدالعزیز بن یعقوب بن محمد، ملقب به «المتوکل علی الله» (م ۹۰۳) از خلفاء عباسی، که سیوطی را بدو عنایتی و ارادتی بوده است<sup>۲۱</sup>، از وی می خواهد که کتابی بپردازد در گزارش واژه های دخیل در قرآن مجید. سیوطی گویا «المهدب» را برای برآوردن این خواست بسنده نمی داند و «المتوکلی» را می نویسد و کتاب را به نام وی نامبردار می سازد. در «المتوکلی» برخلاف «المهدب» واژه ها را براساس زبان ها سامان داده است<sup>۲۲</sup>.

مثلاً: لغات حبشی، فارسی، رومی و... بدین سان، گاه واژه هایی تکرار شده است و آگاهی هایی در این کتاب عرضه شده است که در «المهدب» نیست و به عکس. المتوکلی را آقای عبدالکریم زبیدی، تصحیح و تحقیق کرده و در پانوشتها افزون بر نشان دادن منابع اقوال، توضیحات مفصلی درباره مطالب متن آورده است<sup>۲۳</sup>.

### ۸. قطف الأزهار فی کشف الأسرار:

بحث تناسب آیات در سوره ها و تناسب سوره ها در قرآن کریم، گو اینکه در پژوهش های سده های آغازین تاریخ اسلام نشانی از آن نیست اما در سده های واپسین، از جمله دلمشغولی های مهم مفسران و قرآن پژوهان بوده است. سیوطی این کتاب را پرداخته است تا نشان دهد آیات در سوره ها و نیز سوره ها به لحاظ محتوی با هم در پیوندی استوار هستند، سیوطی از این کتاب در آثار دیگر خود یاد کرده و بدان بالیده است<sup>۲۴</sup>.

«قطف الأزهار»، به «اسرار التنزیل» مشهور شده است، سیوطی نیز گاه از آن بدین عنوان یاد کرده است<sup>۲۵</sup>.

قطف الأزهار، در برنمودن تناسب آیات در سوره ها است... و گویا تا سوره توبه پیش رفته است و سیوطی به تکمیل آن توفیق نیافته است<sup>۲۶</sup>؛ قطف الأزهار را آقای احمد حمادتی

تحقیق کرده است<sup>۲۷</sup>

## ۹. تناسق الدرر فی تناسب السور:

سیوطی در این کتاب، به تبیین و توضیح چگونگی پیوند محتوایی سوره‌ها با هم پرداخته است، یعنی به مثل مناسبت سوره بقره با حمد، آل عمران با بقره و... چنانکه بارها در این مقالات اشاره کردیم، مسئله تناسب از یکسوی بر چگونگی جمع و تدوین قرآن استوار است و از سوی دیگر در سوره‌ها بر توقیفی بودن چینش آیات در سوره‌ها؛ و موضع قرآن پژوه در آن دو بحث در این موضوع تعیین کننده است. به هر حال بحث تناسب، ذوق انگیز و دل پذیر است و کتاب سیوطی نیز با همه تکلف‌هایی که گاه در ایجاد تناسب در آن راه یافته، خواندنی و شیرین است. تناسق الدرر، بارها چاپ شده است، از جمله با تحقیق آقای عبدالقادر عطاء، همراه مقدمه‌ای دراز دامن در تبیین و توجیه موضوع<sup>۲۸</sup>. و نیز با تحقیق آقای سید جمیلی همراه با مقدمه‌ای مفصل درباره کتاب، موضوع آن و شرح حال سیوطی و با عنوان «ترتیب سور القرآن»<sup>۲۹</sup>.

## ۱۰. الأکلیل فی استنباط التنزیل:

بسیاری از کسان بر این باور رفته‌اند که همه دانشها در قرآن است و قرآن مشتمل است بر «همه چیز» و در آن «تبیین و توضیح» همه چیز آمده است و از آیات آن می‌توان تمام دانشها را بهره گرفت و استنباط کرد. سیوطی این کتاب را نگاشته است، تا این باور را استوار دارد. از این روی مقدمه‌ای نگاشته است در اشمال قرآن بر دانش‌های دنیوی و آخروی و آن را گونه‌ای از اعجاز قرآن کریم تلقی کرده است. سیوطی این بحث را در آثار دیگرش از جمله در «معتزک الأقران» با اندکی افزونی و کاستی و با عنوان «العلوم المستنبطه» نقل کرده است<sup>۳۰</sup>.

الأکلیل، به تحقیق آقای سیف الدین عبدالقادر الکاتب، نشر یافته است<sup>۳۱</sup>.

## ۱۱. مراصد المطالع فی تناسب المقاطع والمطالع:

پیوندهای محتوایی بین آغازها و فرجام‌ها در سوره‌ها از نکات لطیف اعجاز بیانی قرآن است، بسیاری از مفسران و از جمله علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) با تکیه بر این



نکته حقایق بس ارجمندی را عرضه کرده اند.

قرآن پژوهان در این باره سخن فراوان گفته اند<sup>۳۲</sup> و سیوطی خود نیز بارها بدان پرداخته است و گویا آنچه را در مواردی پراکنده، با افزونی هایی یکجا گرد آورده و کتابی پرداخته است با عنوان «مراصد المطالع...»<sup>۳۳</sup>.

«مراصد»، گویا چاپ نشده است اما نسخه هایی از آن در کتابخانه ها وجود دارد<sup>۳۴</sup>.

۱۲. فتح الجلیل للعبد للذلیل فی الأنواع البدیعیه المستخرجه من قوله تعالی «اللّه ولی الذین آمنوا...»: (بقره/۲/۲۵۷)

سیوطی ابتدا از اوج بلاغت و عظمت اعجاز بیانی قرآن کریم و آکندگی آیات آن از زیبایی های بیانی سخن می گوید. آنگاه چونان نمونه ای، این آیت الهی را از این نگاه به بحث می نهد و از تفسیر و توضیح و جوه بلاغت آن به تفصیل سخن می گوید. فتح الجلیل با تحقیق، تعلیق و شرح عبدالقادر، احمد عبدالقادر چاپ شده است<sup>۳۵</sup>.

۱۳. شرح الشاطبیه:

پیشتر از «حرز الأمانی و وجه التهانی» و اهمیت آن در دانش قرائت سخن گفته ایم<sup>۳۶</sup>. این کتاب شرح های بسیاری دارد. سیوطی نیز بر آن شرحی نگاشته است. قرآن پژوه و ادیب معاصر، دکتر عبدالعال سالم مکرم نوشته اند: این کتاب چاپ شده است<sup>۳۷</sup>. نسخه هایی از آن در کتابخانه ها موجود است<sup>۳۸</sup>.

۱۴. خمائل الزهر فی فضائل السور:

از این کتاب سیوطی، با عنوان «جمال الزهر فی فضائل السور»<sup>۳۹</sup>، و «الدر النظیم فی فضائل القرآن العظیم»<sup>۴۰</sup> نیز یاد شده است. سیوطی خود آن را بدان سان که آوردیم یاد کرده است. او می گوید: درباره فضایل سوره ها به صورت عموم و نیز سوره ها به صورت متعین، روایات بسیار وارد شده است، این روایات آمیزه ای است از سره و ناسره و صحیح و ناصحیح، از این روی من به نگارش کتابی در این زمینه با عنوان «خمائل الزهر...» پرداختم و کوشیدم در آن احادیث موضوع و مجعول را نیاورم<sup>۴۱</sup>.

به سیوطی در باب علوم قرآنی، آثاری دیگری نیز نسبت داده شده است و در برخی از

آثار وی نیز از آنها سخن رفته است، از جمله «مجاز الفرسان الی مجاز القرآن» که گزینشی است از مجاز القرآن عین الدین ابن عبدالسلام. «الناسخ والمنسوخ فی القرآن»، «تشقیف السمع بتحدید السبع»، «الألفیه فی القراءت العشر» و...<sup>۲۲</sup>.

مفسر، مورخ، محدث، ادیب و قرآن پژوه بلند آوازه این قرن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، به سال ۸۴۹ هجری قمری در ماه رجب دیده به جهان گشود، او در شش سالگی پدر را از دست داد<sup>۲۳</sup>، اما شوق فراگیری و دانش اندوزی و یافتن آگاهی های گسترده را هرگز از دست نهشت. سیوطی به هشت سالگی نرسیده، قرآن را حفظ کرد و در دانش حدیث در محضر بیش از ۱۵۰ استاد و شیخ حدیث زانورد و با تمام توان در فراگیری و آنگاه در ثبت و ضبط دانش و نگارش و تصنیف کوشید و با تدوین آثار بسیاری بر میراث مکتوب فرهنگ اسلامی غنا بخشید<sup>۲۴</sup>. کارنامه پژوهش و نگارش سیوطی بسی پربرگ و بار است. او در گسترده نویسی، نیک نگاری، کثرت تألیف اگر بی نظیر نباشد، بی گمان کم نظیر است. دربارہ چگونگی آثار وی و نگارش های مختلف او از همان روزگار حیات او سخن بسیار رفته است. اما قدرت تألیف و شکبایی و استواری او در فراگیری و فرادهی هرگز انکار نشده است. او به سال ۹۱۱ زندگی را بدرود گفته است<sup>۲۵</sup>.

در این قرن ابو عبدالله محمد بن احمد، مکناسی (م ۹۱۹)، در علوم قرآنی آثاری رقم زد، از جمله «انشاد الشرید فی رسم القرآن» و «تفصیل الدرر فی القراءت»<sup>۲۶</sup>. مکناسی از عالمان، ریاضی دانان و فقیهان مالکی است، او در «مکناسه»<sup>۲۷</sup> به دنیا آمد و در آن دیار بالید، و در آن دیار و سپس در «فاس» دانش آموخت، او پس از روزگاری در «فاس» اقامت گزید و در همان دیار به سال ۹۱۹ زندگی را بدرود گفت. مکناسی در ریاضیات، فقه، ادبیات و علوم قرآنی آثاری از خود برجای نهاده است<sup>۲۸</sup>.

عبدالبرین محمد حلبی (۹۲۱۲)، مشهور به ابن شحنه از عالمان و فقیهان حنفی در این قرن، کتابی نگاشت با عنوان غریب القرآن<sup>۲۹</sup> و همو کتابی پرداخت با عنوان «عقود اللئالی والمرجان فیما یتعلق بالقرآن»<sup>۳۰</sup>. عبدالبر در حلب بزاد و به قاهره کوچ کرد و دانش های متعددی را از اساتید آن دیار فرا گرفت. او در فقه، اصول و دیگر علوم اسلامی آگاهی های شایسته ای یافت و به فتوی پرداخت و بر مسند قضاء نشست، سپس به حلب بازگشت و در آن دیار زندگی را بدرود گفت. ابن شحنه در موضوعات مختلف اسلامی آثاری از خود

برجای نهاده است.<sup>۵۱</sup>

در این قرن محدث و محقق بلندآوازه شافعی مصری، شهاب‌الدین احمد بن محمد قسطلانی، صاحب یکی از مهم‌ترین شرح‌های صحیح بخاری با عنوان «ارشاد الساری فی شرح البخاری» آثاری در علوم قرآنی رقم زد، از جمله «لطائف الأشارات بفنون القراءات»، او در این کتاب از قرائت‌های چهارده‌گانه سخن گفته است، لطائف الأشارات...، به تحقیق و تصحیح، عامر سید عثمان و عبدالصبور شاهین نشر یافته است.<sup>۵۲</sup> او بر کتاب مهم شاطبی نیز شرح نوشت با عنوان «فتح الدانی فی شرح حرز الأمانی»، این شرح گویا به فرجام نرسیده است، اما شوکانی می‌گوید: فواید شگفتی در آن فراهم آورده که در هیچ شرح دیگری یافت نشود.<sup>۵۳</sup> قسطلانی بر «مقدمه» جزری نیز شرحی نگاشته است با عنوان «العقود السنیه فی شرح المقدمه الجزریه».

قسطلانی در مصر دیده به جهان گشود و در همان دیار بالید و دانش آموخت. در مصر قرآن را حفظ کرد. در فراگیری حدیث، فقه و دانش‌های قرآنی، محضر عالمان بسیاری را درک کرد، بارها به مکه سفر کرد و مجاورت بیت‌الله را برگزید. او بر کرسی تدریس نشست و در محفلش کسان بسیار گرد آمدند و از وی دانش آموختند.

او در ابعاد مختلف اسلامی از خود آثاری برجای نهاده است و چنانکه پیشتر آوردیم مهم‌ترین و مشهورترین اثری وی، شرح او است بر «صحیح بخاری». قسطلانی محرم سال ۹۳۳ هـ.ق زندگی را بدرود گفت.<sup>۵۴</sup>

شیخ‌الاسلام زکریا بن محمد، انصاری شافعی (م ۹۲۶ یا ۹۲۵) در این قرن از عالمان، محدثان و مفسرانی است که در علوم قرآنی نیز قلم زده است. از جمله آثار سودمند اوست «فتح الرحمن بکشف ما یلتبس فی القرآن». او در این کتاب و براساس سور قرآنی، کوشیده که ابهام‌های ظاهری از چهره آیات را برگیرد و تعبیری را که به گونه‌ای اشتباه‌آفرین است با دقت تبیین و تفسیر کنند. این کتاب را آقای محمدعلی صابونی براساس سه نسخه، تحقیق و تصحیح کرده و نشر داده است.<sup>۵۵</sup> یادآوری کنم که آنچه با این عنوان در حاشیه «السراج المنیر» چاپ شده است بخشی از این کتاب است که همان بخش هم افتادگی‌های بسیار دارد.

وی مقدمه جزری را نیز شرح کرده است با عنوان «الدقائق المحکمه فی شرح المقدمه».<sup>۵۶</sup> نیز کتابی پرداخته است در «وقف و ابتدا» با عنوان «المقصد لتلخیص ما

فی المرشد»<sup>۵۷</sup>. زکریای انصاری در «سنیکه»<sup>۵۸</sup> به دنیا آمد و در همان دیار بالید، آنگاه به قاهره رفت و در آن دیار دانش آموخت. او سپس به دیار خود برگشت و محفل تعلیم و تعلم به پا داشت. و پس از مدتی دیگر بار به قاهره رفت و از محضر عالمان بسیاری از جمله ابن حجر بهره‌ها گرفت، و بر کرسی تدریس کسان فراوانی را بهره‌رساند و به تألیف و تصنیف پرداخت و در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی آثار بسیاری از خود برجای نهاد. او را به شیوه‌های ستوده در زندگانی، مناعت طبع، سلامت نفس، تحمل سختیها ستوده‌اند.<sup>۵۹</sup>

در این قرن، عمر بن قاسم انصاری معروف به تشار مصری (م ۹۳۸) از عالمان و قارئان آن روزگار کتاب‌های متعددی در دانش قرائت نگاشت. او در کتاب «الوجه النیره فی قرائة العشر» قرائت‌های دهگانه را گزارش کرد و در «البدور الزاهرة فی القرائة العشر المتواتره» کوشید تا تواتر این قرائت‌ها را استوار سازد، افزون بر اینها کتابی پرداخت ویژه قرائت «أبو عمرو بن علاء بصری» با عنوان «القطری المصری فی قرائة أبی عمرو بن العلاء المصری». او کتاب دیگری دارد با عنوان «المکرر فیما تواتر من القرائت وتحزر» که با عنوان «المکرر فی علم القراء السبعة البدور النور»<sup>۶۰</sup> نیز یاد شده است. این کتاب تشار، بارها به چاپ رسیده است.<sup>۶۱</sup> «البدور المنیر فی قرائة نافع وأبی عمرو ابن کثیر» نیز از آثار اوست.

از چگونگی زیست عمر بن قاسم آگاهی‌های چندانی در اختیار نیست، او را از قارئان و عالمان شافعی مذهب مصر دانسته‌اند. سال وفات او نیز در منابع شرح حالنگاری گونه‌گون ثبت شده است.<sup>۶۲</sup>

شمس‌الدین احمد بن سلیمان، مشهور به ابن کمال پاشا از فقیهان حنفی و از ترک‌زبانانی که آثارش را به عربی رقم می‌زده است. کتابی در اعجاز قرآن نگاشته و در آن کوشیده است دیدگاه «صرفه» در اعجاز قرآن را استوار کند.<sup>۶۳</sup> خانم ابتهسام مرهون از کتاب وی با عنوان «اعجاز القرآن»<sup>۶۴</sup> یاد کرده است و کتاب دیگری نیز به او نسبت داده است با عنوان «بیان اسلوب الحکیم»<sup>۶۵</sup>. محققان کتاب «البرهان فی علوم القرآن» از آن با عنوان «رسالة فی تحقیق اعجاز القرآن» و «اعجاز القرآن» یاد کرده‌اند.<sup>۶۶</sup> آقای نعیم حمصی دیدگاه وی درباره اعجاز را از مجموعه «رسائل» ابن کمال پاشا که نشر یافته است<sup>۶۷</sup>، آورده و بعید نیست که این رساله همانی باشد که در فکر شما یاد شده است.<sup>۶۸</sup>

شمس‌الدین احمد، از عالمان و فقیهان حنفی و از شیخ‌الاسلام‌های روزگار عثمانی‌هاست. او فراگیری دانش را در «دار‌الحديث» «ادرنه» آغاز کرد؛ و در مدارس آن دیار و استانبول به تکمیل و تعمیق دانش خود پرداخت، در روزگاری در منصب قضاوت بود و در تعلیم و تعلّم و کتابت سختکوش بود. از وی آثاری به زبان عربی و ترکی برجای مانده است.<sup>۶۹</sup>

اکنون یاد کنیم از احمد بن احمد بن ابراهیم طیبی شافعی (م/ ۹۸۱) از فقیهان و زاهدان و نحویان دمشق که در علوم قرآنی آثاری نگاشت، از جمله: «المفید فی علم التجوید»، «منظومة فی القراءات»، «مذهب الحمزه فی تحقیق الهمزه» و «بلوغ الأمانی فی قرائة ورش من طریق الأصبهانی»<sup>۷۰</sup>. عثمان بن سعید مصری، معروف به «ورش» (م/ ۱۹۷) از رویان قرائت نافع است. او گاه‌گزینه‌های ویژه خود را داشت که با قرائت نافع نیز همسوی نبود، قرائت ورش را کسان بسیاری روایت کرده‌اند<sup>۷۱</sup>، از جمله، محمد بن عیسی بن رزین الیتمی الرازی الأصفهانی. کتاب طیبی گزارش قرائت ورش است با روایت.

طیبی شافعی از فقیهان و نحویان دمشق است که پس از فراگیری دانش و دست‌یافتن به آگاهی‌های لازم در برخی از دانش‌های اسلامی، به تدریس و وعظ پرداخت و روزگاری امامت مسجد جامع امورا را به عهده گرفت. افزون بر آنچه یاد کردیم، در موضوعات دیگر اسلامی نیز آثاری از خود برجای نهاده است<sup>۷۲</sup>.

۱. التخبیر فی علم التفسیر، ص ۲۸-۲۹؛ سیوطی این چگونگی را با اندکی تغییر در مقدمه «الأتقان» نیز یاد کرده است، الأتقان، ۱/ ۱۷.
۲. چاپ‌های دیگر آن را بنگرید در: کتابنامه بزرگ قرآن کریم، ۴/ ۱۳۶۰.
۳. از کتاب کافجی پیشتر سخن گفته ایم (بینات، شماره ۱۰، ص ۵۲)، کتاب کافجی گو اینکه خرد است ولی این داوری سیوطی درباره آن به صواب نیست.
۴. بنگرید به: السیوطی و جهوده فی القرآن، ص ۱۸۷-۲۱۳.
۵. چاپ‌های متعدّد آن را بنگرید در، کتابنامه بزرگ قرآن کریم، ۱/ ۱۲۰.
۶. چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بارهای بار در بیروت و ایران افست شده است.
۷. الأتقان فی علوم القرآن، تألیف الامام جلال‌الدین السیوطی الشافعی، تمّ التحقیق والأعداد بمركز الدراسات

- والبحوث بمكتبة نزار مصطفى الباز، الطبعة الأولى ۱۴۱۷، رياض، مكتبة نزار مصطفى الباز.
۸. مختصر الأتقان ...، دار النفائس، بيروت / ۱۴۱۰.
۹. ترجمة خلاصة الاتقان ...، محمود افتخارزاده، دفتر نشر معارف.
۱۰. رياض، دار الهجرة للنشر والتوزيع، ۱۴۱۲.
۱۱. تهران، بنياد علوم اسلامي، ۱۳۶۲.
۱۲. تهران، اميركبير، ۱۳۶۳ (دو جلد).
۱۳. اعجاز القرآن الكريم بين الامام السيوطي والعلماء، جده، دار الأندلس الخضراء، ص ۲۷۳-۲۷۵.
۱۴. آقاي محمدبن حسن بن عقيل موسى، در كتاب سودمند خود «اعجاز القرآن الكريم، بين الامام السيوطي والعلماء» در ضمن فصلي درازدامن، تمام وجوه عرضه شده در اين كتاب را نقل و تحليل کرده و حد و حدود دلالت آنها بر اعجاز روشن کرده است، صص ۲۳۸-۴۱۴.
۱۵. اعجاز القرآن الكريم ...، محمدبن حسن بن موسى، دار الأندلس الخضراء، جده، ۱۴۱۷.
۱۶. البلاغة القرآنية، المختاره من الأتقان ومعترك الأقرآن، اختيار و تهذيب السيد الجميلي، قاهره، دار المعرفة، ۱۴۱۳.
۱۷. الأتقان، ۱/۱۰۷.
۱۸. اسباب النزول ...، دار الهجرة، دار الخير. و بنگريد چاپ های ديگر آن را در كتابنامه بزرگ قرآن كريم، ۳۰۷/۱.
۱۹. مفحمت الأقرآن ...، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۵۹.
۲۰. الأتقان، ۲/۱۲۵.
۲۱. المهذب ...، دار الكتب العلمي، بيروت ۱۴۰۸.
۲۲. حسن المحاضرة، ۲/۹۲.
۲۳. المتوكلي، فيما ورد في القرآن باللغات: الحبشيه والفارسيه و ...، بيروت، دار البلاغه، ۱۴۰۸.
۲۴. الأتقان، ۳/۳۶۹؛ معترك الأقرآن، ۱/۴۳.
۲۵. الأتقان، ۳/۳۶۹.
۲۶. مقدمه كتاب، ۱/۸۵، خواهم گفت سيوطي در مقدمه «تناسق الدرر» كه تناسب سوره ها است مي گويد: من اين كتاب را از قطف الأزهار برگزيده ام، آيا اين نشان آن نيست كه كتاب كامل بوده است؟!
۲۷. قطف الأزهار ...، قطر، نشر وزارة الأوقاف والشئون الإسلاميه، ۱۴۱۴، ۲ مجلد.
۲۸. تناسق الدرر ...، بيروت، دار الكتب العلمي، ۱۴۰۶.
۲۹. ترتيب سور القرآن ...، بيروت، دار ومكتبه هلال، ۱۹۸۶.
۳۰. معترك الأقرآن، ۱/۱۴-۲۷.
۳۱. الأكليل ...، بيروت، دار الكتب العلمي، ۱۴۰۵.

۲۲. البرهان فی علوم القرآن، ۱/ ۲۷۲؛ التمهید، ۵/ ۲۸۸؛ النبأ العظیم، محمد عبد الله دراز، ص ۱۵۲.
۲۳. الأتقان، ۲/ ۱۰۵-۱۰۸؛ معترك الأقران، ۱/ ۷۴.
۲۴. دلیل مخطوطات السیوطی و أماكن وجودها، ص ۴۲؛ جلال الدین السیوطی و أثره فی الدراسات اللغویه، ص ۲۰۰.
۲۵. فتح الجلیل...، اردن، عمان، ۱۴۱۲.
۲۶. بینات، شماره ۶، ص ۷۶.
۲۷. جلال الدین السیوطی و أثره فی الدراسات اللغویه، ص ۲۰۳.
۲۸. همان؛ و نیز ر.ک: دلیل مخطوطات السیوطی، ص ۳۸.
۲۹. دلیل مخطوطات السیوطی، ص ۳۵.
۴۰. معجم الدراسات القرآنیه، ص ۴۱۷.
۴۱. الأتقان، ۴/ ۱۲۰؛ نسخه های مخطوط آن را در منابع یاد شده بنگرید.
۴۲. بنگرید به: دلیل مخطوطات السیوطی و أماكن وجودها، «القرآن و علومه»، ص ۲۹-۴۷.
۴۳. حسن المحاضره، ۱/ ۱۸۸.
۴۴. همان، ص ۱۹۰.
۴۵. سیوطی خود، در کتابی خواندنی و سودمند با عنوان «التحدّث بنعمة الله»، به تفصیل شرح حال و سوانح زندگانش را نگاشته و از چگونگی آثارش سخن گفته است و نیز در کتاب دیگرش «حسن المحاضره»، عالمان و محققان بسیاری شرح حال و گزارش چگونگی آثار او را به بحث نهاده اند. شرح حال او افزون بر نگاشته های مفرد درباره او، به تفصیل در منابع شرح نگاری آمده است. در این مقام از برخی نگاشته های مستقل (تک نگاریها) یاد می کنم:
- جلال الدین السیوطی و أثره فی الدراسات اللغویه، عبدالعال سالم مکرم؛ السیوطی و جهوده فی علوم القرآن، عبدالحلیم هاشم الشریف؛ دلیل مخطوطات السیوطی و أماكن وجودها، احمد الخازندار، محمد ابراهیم الشیبانی؛ جلال الدین السیوطی عصره و حیات و آثاره و جهوده فی الدرس اللغوی، طاهر سلیمان حموده؛ اعجاز القرآن بین الامام السیوطی و العلماء، دراسة نقدیه و مقارنه، محمد بن حسن بن عقیل مرسى؛ الامام الحافظ جلال الدین السیوطی و جهوده فی الحدیث و علومه، بدیع السید اللّحّام؛ مكتبة الجلال السیوطی، احمد الشرقاوی؛ جلال الدین السیوطی مسیره العلمیه و مباحثه اللغویه، مصطفی الشعکه؛ جلال الدین السیوطی، منهجه و آراؤه الكلامیه، محمد جلال ابوالفتوح شرف.
۴۶. معجم مصنفات القرآن الکریم، ۳/ ۲۷۷؛ الأعلام، ۵/ ۳۲۶.
۴۷. «مکناسه»، شهرى است در مغرب، که به لحاظ فراوانی زیتون آن، «مکناسه الزیتون» نیز می گویند: الروض المعطار فی خبر الأقطار/ ۵۱۰، لغتنامه دهخدا، ج ۱۳/ ۱۸۹۰۵.
۴۸. الأعلام، ۵/ ۳۲۶؛ معجم المؤلفین، ۲/ ۸۵.

۴۹. معجم الدراسات القرآنیه، ص ۳۱۸.
۵۰. معجم المؤلفین، ۳/۴۶.
۵۱. دربارہ او بنگرید به: شذرات الذهب، ۱۰/۱۳۱؛ اعلام النبلاء، ۵/۳۸۱؛ معجم المؤلفین، ۳/۴۵؛ الأعلام، ۳/۲۷۳؛ ایضاح المکتون، ۱/۳۱۱، ۲/۶۰۲؛ الآثار الحظیہ فی المکتبہ القادریہ ببغداد، ۲/۱۶۸؛ المورد، مجلد ۸، شماره ۳/۴۰۳.
۵۲. لطائف الأشارات...، قاهره، المجلس الأعلى للشئون الإسلامیہ، ۱۳۹۲.
۵۳. البدر الطالع، ۱/۱۰۲.
۵۴. دربارہ او بنگرید به: البدر الطالع، ۱/۱۰۲؛ شذرات الذهب، ۱۰/۱۶۹؛ ریحانة الأدب، ۴/۴۵۸؛ معجم المؤلفین، ۱/۲۵۴؛ الأعلام، ۱/۲۲۲.
۵۵. دار الصابونی، ۱۳۰۵.
- ۵۶ و ۵۷. اعلام الدراسات القرآنیه، ص ۲۸۲.
۵۸. دیہی در بخش شرقی مصر.
۵۹. دربارہ او بنگرید به: شذرات الذهب، ۱۰/۱۸۶؛ البدر الطالع، ۱/۲۵۲؛ معجم المؤلفین، ۱/۷۳۳؛ فہرس التاريخ بالظاہریہ، ۲/۱۸۴؛ الأعلام، ۳/۴۶.
۶۰. معجم الدراسات القرآنیه، ص ۴۶۷؛ معجم مصنفات القرآن الکریم، ۴/۱۳۷؛ معجم المؤلفین، ۲/۵۶۹.
۶۱. المکرر... قاهره، میمیہ ۱۳۲۶، مطبوعہ مصطفی الحلبي، ۱۳۹۹، مکہ المکرمة ۱۳۰۶.
۶۲. دربارہ او بنگرید به: الضوء اللامع، ۶/۱۹۳؛ الأعلام، ۵/۵۹؛ معجم المؤلفین، ۳/۵۶۹.
۶۳. فکرہ اعجاز القرآن، ص ۱۶۳.
- ۶۴ و ۶۵. معجم الدراسات القرآنیه، ص ۹۹، ۹۲.
۶۶. البرهان فی علوم القرآن، ۲/۲۲۳، (پانوشت).
۶۷. ترکیه، مطبوعہ اقدم، ۱۳۱۶.
۶۸. فکرہ اعجاز القرآن، ص ۱۶۴، ۱۶۵.
۶۹. دربارہ او بنگرید به: شذرات الذهب، ۱۰/۳۳۵؛ الطبقات السنیہ، ۱/۳۵۵؛ الأعلام، ۱/۱۳۳؛ معجم المؤلفین، ۱/۱۴۸؛ معجم المفسرین، ۱/۳۹؛ فکرہ اعجاز القرآن، ص ۱۶۴.
۷۰. البرهان فی علوم القرآن، ۱/۴۴۵ (پانوشت)؛ الأعلام، ۱/۹۱؛ فہرس مخطوطات ودار الکتب الظاہریہ، علوم القرآن، ۱/۲۵۴ و ۳۱۷.
۷۱. القرآن وعلومه فی مصر، ص ۲۱۶، «مدرسة ورش»، ۲۲۷ «قراءة ورش خارج مصر».
۷۲. دربارہ او بنگرید به: الأعلام، ۱/۹۱؛ معجم المؤلفین، ۱/۹۳ و....